

شناسایی و رتبه بندی مولفه ها و شاخص های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی

چکیده

هدف: حاکمیت شرکتی، به عنوان مجموعه‌ای از قوانین و رویه‌ها، نقش حیاتی در تضمین شفافیت، پاسخگویی و مدیریت مؤثر شرکت‌ها ایفا می‌نماید. در این میان، حسابرسان به عنوان ناظران مستقل، نقشی کلیدی در ارزیابی و تقویت حاکمیت شرکتی بر عهده دارند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و رتبه بندی مولفه ها و شاخص های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی انجام گردیده است.

روش: پژوهش حاضر، از نظر هدف، از نوع پژوهش های اکتشافی و در بازه زمانی سال ۱۴۰۳ با استفاده از روش تحقیق آمیخته به صورت کیفی و کمی انجام گردیده است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی حسابرسان و اعضای هیات علمی دانشگاه بوده که تعداد ۲۰ نفر از خبرگان به صورت گزینشی و در بخش کمی ۳۸۴ نفر طبق جدول مورگان انتخاب گردیدند.

یافته ها: در ارتباط با شناسایی مولفه ها و شاخص های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی، ۶ مؤلفه پاسخگویی به سهامداران، پاسخگویی نسبت به شفافیت اطلاعات، پاسخگویی نسبت به ذینفعان، پاسخگویی به هیات مدیره یا مدیران اجرایی، پاسخگویی نسبت به فرآیندهای مدیریت ریسک و پاسخگویی اخلاقی و رفتار حرفه ای و ۳۷ شاخص شناسایی گردید. همچنین، مولفه ها و شاخص های پاسخگویی حسابرسان مورد تایید قرار گرفت.

نتیجه گیری: پاسخگویی شفاف و گزارش دهی مؤثر حسابرسان می تواند به بهبود تصمیم گیری سرمایه گذاران و بهبود حاکمیت شرکتی کمک کند.

کلمات کلیدی: حسابرسان، پاسخگویی، حاکمیت شرکتی، شفافیت، رفتار حرفه ای.

مقدمه

سازمان ها در قبال فعالیت های خود و پیامدهایشان در برابر مراجع معینی پاسخگو هستند. موسسه های حسابرسی به عنوان سازمانی که جامعه از خدمات آنها استفاده می نماید، مسئولیت بررسی صحت گزارش ای مالی منتشر شده شرکت ها را بر عهده دارند (اثنی عشری و بیگ پناه، ۱۴۰۲). توجه جامعه به نحوه عملکرد موسسه های حسابرسی می تواند، آنها را به سمت پاسخگویی به استفاده کنندگان هدایت نماید (فو، ۲۰۱۵).

حاکمیت شرکتی یک مفهوم مهم در حسابداری و حسابرسی است که به چارچوب مدیریت و نظارت بر سازمان ها و شرکت ها اشاره دارد. الگوی پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی، رویکردی را توصیف می کند که چگونه حسابرسان می توانند نقش خود را در تضمین شفافیت، مسئولیت پذیری و پاسخگویی در شرکت ها ایفا کنند. حسابرسان باید مستقل باشند تا بتوانند به صورت عینی و بی طرفانه حسابرسی را انجام دهند. کانون توجه جامعه به عملکرد حسابرسان می باشد (دایمس و همکاران، ۲۰۱۲).

استقلال حسابرسان از مدیریت شرکت و هرگونه منافع شخصی، تضمین می کند که گزارش های مالی به صورت عادلانه و بدون نفوذ نامناسب تهیه می شود. حسابرسان مسئول بررسی و تایید صحت گزارش های مالی شرکت هستند. آنها باید اطمینان حاصل کنند که این گزارش ها به درستی تهیه شده اند، اصول حسابداری پذیرفته شده را رعایت می کنند و وضعیت مالی واقعی شرکت را نشان می دهند. حسابرسان ممکن است توصیه هایی برای بهبود فرآیندهای گزارش دهی مالی ارائه دهند و بر افشای اطلاعات کافی در صورت های مالی نظارت کنند. حسابرسان باید ریسک های مرتبط با شرکت را ارزیابی کنند، از جمله ریسک های مالی، عملیاتی، و حاکمیت شرکتی. این ارزیابی شامل بررسی کنترل های داخلی، ارزیابی محیط کنترل، و شناسایی نقاط ضعف احتمالی در سیستم های شرکت است. هر گونه اطلاعاتی که سطح اعتماد استفاده کنندگان را بهبود بخشد، مهم و در تصمیم گیری اثر گذار می باشد (دایمس و همکاران، ۲۰۱۲).

حسابرسان با شناسایی ریسک ها، می توانند حسابرسی را بر مناطق کلیدی متمرکز کنند و اطمینان حاصل کنند که مدیریت ریسک به درستی انجام می شود. کمیته حسابرسی، بخشی از ساختار حاکمیت شرکتی است که بر فرآیند حسابرسی نظارت می کند. حسابرسان باید با این کمیته تعامل داشته باشند، یافته های خود را گزارش دهند، و در مورد مسائل حسابرسی و ریسک های شناسایی شده مشورت کنند. این ارتباط تضمین می کند که کمیته حسابرسی به درستی از فرآیند حسابرسی مطلع است و می تواند به بهبود حاکمیت شرکتی کمک کند. بهبود کیفیت حسابرسی بر ارتقای پاسخگویی بخش عمومی اثرگذار است (شمسی و همکاران، ۱۴۰۳). حسابرسان به بررسی عملکرد مدیریت ارشد شرکت می پردازند تا اطمینان حاصل کنند که تصمیمات مدیریتی با منافع بلندمدت شرکت و سهامداران آن همسو است. این شامل ارزیابی استقلال و عملکرد هیئت مدیره، بررسی قراردادهای مرتبط با مدیران ارشد، و ارزیابی مدیریت ریسک در سطوح بالای شرکت است. موسسات حسابرسی در راستای ارزیابی صحیح کیفیت حسابرسی، اطلاعاتی در زمینه استقلال حسابرسان، مدیریت دانش و تجربه آنها به ذینفعان ارائه نمایند (روزا و همکاران، ۲۰۱۸).

کیفیت حسابرسی مفهوم پیچیده ای است که ارزیابی آن به مؤلفه های بسیاری وابسته است که اغلب پنهان هستند. پاسخگویی عمومی مؤسسه های حسابرسی با ارائه اطلاعات در خصوص این مؤلفه ها، به ذینفعان در ارزیابی کیفیت حسابرسی و تعیین میزان اتکا به گزارش های حسابرسی کمک می کند (بیگ پناه و همکاران، ۱۴۰۱).

حسابرسان در حاکمیت شرکتی نقش مهمی ایفا می کنند و به عنوان یکی از ستون های اصلی این مفهوم حامیت شرکتی شناخته می شوند. حسابرسان وظیفه دارند صورت های مالی شرکت را مورد بررسی و حسابرسی قرار دهند تا صحت، دقت و شفافیت آن را تایید کنند. آنها با انجام روش های حسابرسی، از جمله بررسی اسناد و مدارک، تأیید موجودی ها، و ارزیابی کنترل های داخلی، اطمینان حاصل می کنند که اطلاعات مالی ارائه شده توسط شرکت، عاری از هرگونه تحریف با اهمیت است. این فرایند به ذینفعان، از جمله سهامداران، اعتباردهندگان، و سرمایه گذاران بالقوه، کمک می کند تا تصمیمات آگاهانه ای بر اساس اطلاعات مالی معتبر بگیرند. موسسات حسابرسی با ارائه اطلاعات می توانند کیفیت حسابرسی را نمایان سازند که نتیجه آن بهبود کیفیت حسابرسی می باشد (سازمان بین المللی کمیسیون اوراق بهادار، ۲۰۰۹).

پاسخ گویی موسسه های حسابرسي برای استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری مهم می باشد (فو، ۲۰۱۵). حسابرسان باید مستقل از مدیریت شرکت عمل کنند تا بتوانند به صورت عینی و بی طرفانه حسابرسي را انجام دهند. این استقلال به آنها اجازه می دهد تا بدون نفوذ مدیریت، بر روی منافع کلی شرکت و ذینفعان تمرکز کنند. حسابرسان مستقل، ریسک های احتمالی، تخلفات، یا اشتباهات را شناسایی می کنند و به کمیته حسابرسي یا هیئت مدیره گزارش می دهند. حاکمیت شرکتی بر شفافیت و پاسخگویی شرکت ها تاکید دارد. حسابرسان با ارائه گزارش های حسابرسي شفاف و دقیق، به بهبود این جنبه ها کمک می کنند. آنها ممکن است در گزارش خود، یافته ها و توصیه هایی را در مورد نقاط قوت و ضعف سیستم های حسابداری و کنترل داخلی ارائه دهند. این گزارش ها به کمیته حسابرسي و هیئت مدیره کمک می کند تا نقاط قابل بهبود را شناسایی و اقدامات اصلاحی را اجرا کنند. پاسخ گویی موسسه های حسابرسي برای ذی نفعان حائز اهمیت می باشد (دایمس و همکاران، ۲۰۱۲).

حسابرسان در ارزیابی و مدیریت ریسک های شرکت نقش دارند. آنها ریسک های مالی، عملیاتی، و ریسک های مرتبط با کنترل های داخلی را شناسایی و ارزیابی می کنند. حسابرسان به هیئت مدیره و مدیریت ارشد در درک ریسک های موجود و اتخاذ راهبردهای مناسب برای مدیریت آنها کمک می کنند. این امر به کاهش احتمال وقوع تقلب، اشتباهات، و مشکلات مالی در شرکت می انجامد. حسابرسان با کمیته حسابرسي، که بخشی از ساختار حاکمیت شرکتی است، تعامل نزدیکی دارند. آنها به طور منظم با این کمیته جلسه برگزار می کنند، گزارش های حسابرسي را ارائه می دهند، و در مورد مسائل حسابرسي و ریسک های شناسایی شده مشورت می کنند. حسابرسان به کمیته حسابرسي در نظارت بر فرآیندهای مالی، ارزیابی عملکرد حسابرسان داخلی، و بهبود سیستم های کنترل داخلی کمک می کنند. گزارش های حسابرسان به ذینفعان مختلف، از جمله سرمایه گذاران، بانک ها، و نهادهای نظارتی، اطمینان می دهد که شرکت تحت حسابرسي، اصول و استانداردها را رعایت می کند. این اطمینان دهی می تواند به جذب سرمایه، حفظ اعتبار شرکت، و برقراری روابط اعتماد با ذینفعان کمک کند. در مجموع، حسابرسان با تضمین صحت اطلاعات مالی، حفظ استقلال، و بهبود شفافیت، به تقویت ساختار حاکمیت شرکتی کمک می کنند. آنها به عنوان ناظران مستقل، به شناسایی و مدیریت ریسک ها می پردازند و به کمیته حسابرسي و هیئت مدیره در انجام وظایف نظارتی خود یاری می رسانند. جایگاه حسابرسان در حاکمیت شرکتی، به حفظ منافع شرکت و محافظت از حقوق ذینفعان کمک می کند. در نبود نهادهای نظارتی کیفیت حسابرسي کاهش می یابد (هاتگان، ۲۰۲۰).

تبیین الگوی پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی یک چالش مهم در دنیای حسابداری و کسب و کار است. با توجه به پیچیدگی های فزاینده کسب و کارها و انتظارات ذینفعان، طراحی الگویی که نقش حسابرسان را در این فرایند به درستی تعریف کند، امری ضروری است. مسئله اصلی در اینجا، یافتن راهکارهایی برای تقویت ارتباط بین حسابرسان و ساختار حاکمیت شرکتی است تا بتوان از مزایای آن در ایجاد شفافیت، پاسخگویی، و بهبود عملکرد شرکت ها بهره مند شد. در بسیاری از موارد، حسابرسان و ساختار حاکمیت شرکتی به عنوان دو جنبه جداگانه و گاهی اوقات غیر مرتبط در نظر گرفته می شوند. حسابرسان بر روی صورت های مالی و رعایت استانداردهای حسابداری تمرکز دارند، در حالی که حاکمیت شرکتی با مدیریت ریسک، نظارت بر مدیریت ارشد، و حفظ حقوق سهامداران مرتبط است. با این حال، ادغام این دو مفهوم می تواند مزایای قابل توجهی به همراه داشته باشد. مسئله اصلی در تبیین الگوی پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی، ایجاد یک رویکرد یکپارچه است که لازم است نقش و مسئولیت های حسابرسان در چارچوب حاکمیت شرکتی به طور واضح تعریف شود. این شامل تعیین انتظارات از حسابرسان در زمینه نظارت بر ریسک های مالی، ارزیابی کنترل های داخلی، و گزارش دهی به کمیته حسابرسي یا هیئت مدیره است. همچنین، ارتباط موثر بین حسابرسان، کمیته حسابرسي، هیئت مدیره، و مدیریت ارشد باید بهبود یابد. حسابرسان باید بتوانند یافته های خود را به طور شفاف و به موقع منتقل کنند، و مدیران نیز باید درک درستی از مسائل حسابرسي و راهبردهای بهبود داشته باشند. ممکن است نیاز به آموزش حسابرسان و سایر ذینفعان در مورد مفاهیم حاکمیت شرکتی و اهمیت آن در حسابرسي باشد. این آموزش می تواند درک بهتری از چگونگی ارتباط بین حسابرسي و حاکمیت شرکتی ایجاد کند و به بهبود همکاری بین این دو حوزه کمک کند. پاسخگویی حسابرسان بهتر است با استانداردها و مقررات حسابداری و حسابرسي سازگار باشد. این امر اطمینان می دهد که حسابرسي بر اساس اصول پذیرفته شده انجام می شود و اعتبار گزارش های مالی حفظ می گردد. هدف از تبیین مولفه ها و شاخص های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی، ایجاد یک چارچوب منسجم و کارآمد است که به حسابرسان اجازه دهد نقش خود را در تضمین سلامت مالی و مدیریتی شرکت ها به طور

- موثرتری ایفا کنند. با مواجهه و رفع مسائل ذکر شده، می‌توان به تقویت ارتباط بین حسابرسی و حاکمیت شرکتی و در نهایت، بهبود سلامت کلی سیستم‌های تجاری و مالی شرکت‌ها کمک کرد. سؤال‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:
۱. مولفه‌ها و شاخص‌های پاسخگویی حسابرسان مبتنی حاکمیت شرکتی کدام‌اند؟
 ۲. رتبه‌بندی مولفه‌های پاسخگویی حسابرسان مبتنی حاکمیت شرکتی به چه صورت می‌باشد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برخی نظریه‌ها، پاسخ‌گویی سازمان‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. در این رابطه نظریه علامت دهی بیان می‌گردد که افشای اطلاعات داخلی سازمان با هدف علامت دهی عملکرد صورت می‌گیرد (تایکر، ۲۰۱۵). همچنین، نظریه مشروعیت فعالیت‌های سازمان‌ها را تحت تأثیر جامعه در نظر می‌گیرد که سازمان‌ها در راستای کسب مشروعیت، اطلاعات داخلی را برای استفاده کنندگان افشا نمایند (لایگستن و درسکول، ۲۰۰۸). انجمن‌های حرفه‌ای می‌توانند، موسسه‌های حسابرسی را به سمت پاسخگویی هدایت نمایند (مادالینا و همکاران، ۲۰۱۱).

پاسخگویی یک مفهوم اساسی در مدیریت و سازمان‌ها است و به معنای تعهد و مسئولیت سازمان در قبال ذینفعان مختلف، از جمله مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران، جامعه و محیط زیست است. پاسخگویی به معنای ارائه اطلاعات شفاف و دقیق در مورد فعالیت‌های سازمان، تصمیم‌گیری‌ها، عملکرد مالی، و تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی آن است. وقتی سازمان‌ها پاسخگو هستند، اعتماد ذینفعان را جلب می‌کنند و روابط بلندمدت و پایداری را شکل می‌دهند. چارچوب نظری حسابداری مبتنی بر پاسخگویی تأکید بر ضرورت پاسخگویی در نظام حسابداری دارد (زارع و همکاران، ۱۴۰۰).

از طریق پاسخگویی، سازمان‌ها می‌توانند ریسک‌ها و مشکلات احتمالی را شناسایی و مدیریت کنند. این امر شامل شناسایی خطرات مالی، عملیاتی، و اخلاقی است که ممکن است بر سازمان تأثیر بگذارد. پاسخگویی به مدیران و هیئت مدیره کمک می‌کند تا نظارت مؤثری بر عملیات داشته باشند و در صورت لزوم اقدامات اصلاحی را اعمال کنند. سازمان‌های پاسخگو به طور مداوم عملکرد خود را ارزیابی و بهبود می‌بخشند. آنها از بازخورد ذینفعان استفاده می‌کنند تا نقاط ضعف را شناسایی کرده و فرآیندها، محصولات، و خدمات خود را بهبود بخشند. این امر می‌تواند به افزایش رضایت مشتری، کارایی عملیاتی، و در نهایت موفقیت سازمان منجر شود. پاسخگویی شامل پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی سازمان است. این امر می‌تواند شامل رعایت استانداردهای اخلاقی در کسب و کار، حمایت از حقوق کارکنان، و مشارکت در فعالیت‌های سودمند برای جامعه و محیط زیست باشد. سازمان‌های پاسخگو به دنبال ایجاد تأثیر مثبت بر جامعه و کاهش تأثیرات منفی فعالیت‌های خود هستند. پاسخگویی یکی از اصول اساسی حاکمیت شرکتی قوی است. این امر به معنای برقراری تعادل قدرت بین مدیران، هیئت مدیره، و ذینفعان است. سازمان‌های پاسخگو از طریق گزارش‌دهی منظم، نظارت بر عملکرد، و تضمین رعایت قوانین و مقررات، به بهبود ساختار حاکمیت شرکتی کمک می‌کنند. در یک سازمان پاسخگو، کارکنان درک بهتری از اهداف و استراتژی‌های سازمان دارند و می‌دانند که نظرات و بازخورد آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. این امر می‌تواند به افزایش انگیزه، تعهد، و رضایت شغلی کارکنان منجر شود. سازمان‌های پاسخگو اغلب در بازار رقابتی مزیت دارند. آنها می‌توانند اعتماد مشتریان و شرکای تجاری را جلب کنند، ریسک‌های عملیاتی را کاهش دهند، و از فرصت‌های رشد و نوآوری بهره‌مند شوند. سازمان‌ها با ایجاد ساختارهای پاسخگویی مؤثر، از جمله کمیته‌های نظارتی، سیستم‌های گزارش‌دهی منظم، و فرآیندهای بازخورد، می‌توانند عملکرد خود را بهبود بخشیده و اعتماد و رضایت ذینفعان را کسب کنند. این امر نه تنها به موفقیت سازمان کمک می‌کند، بلکه به ایجاد ارزش بلندمدت برای همه افرادی که تحت تأثیر فعالیت‌های سازمان قرار می‌گیرند، نیز می‌انجامد. بهترین تعریف از حاکمیت شرکتی، پاسخگویی به ذینفعان بیان گردیده است (حساس یگانه، ۱۳۸۸).

حسابرسان می‌توانند در فرآیند افشای اطلاعات شرکت نقش داشته باشند تا اطمینان حاصل شود که اطلاعات مربوط به حاکمیت شرکتی به طور شفاف و کامل در اختیار ذینفعان قرار می‌گیرد. این اطلاعات ممکن است شامل جزئیات مربوط به حقوق و دستمزد مدیران، ساختار مالکیت، و سیاست‌های مدیریت ریسک باشد. حسابرسان باید اطمینان حاصل کنند که شرکت به قوانین و مقررات مربوطه، از جمله قوانین حاکمیت شرکتی، پایبند است. آنها ممکن است در مورد رعایت مقررات با شرکت

مشورت کنند و در صورت لزوم توصیه‌هایی برای بهبود انطباق ارائه دهند. الگوی پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی، بر نقش حسابرسان به عنوان ناظران مستقل و تضمین‌کنندگان صحت فرآیندهای مالی و مدیریتی شرکت تأکید دارد. این الگو به ایجاد اعتماد در میان سرمایه‌گذاران، سهامداران و سایر ذینفعان کمک می‌کند و به بهبود سلامت کلی سیستم‌های مالی و تجاری شرکت‌ها می‌انجامد. حسابرس باید اطلاعات لازم را برای ذینفعان افشا نماید (فو، ۲۰۱۵).

پاسخگویی به معنای مسئولیت‌پذیری و تعهد نسبت به انجام وظایف و پاسخگویی در قبال نتایج و اقدامات است. در زمینه مدیریت و سازمان‌ها، پاسخگویی به معنای تعهد سازمان در برابر ذینفعان مختلف برای ارائه گزارش در مورد فعالیت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، و نتایج حاصل از آن است. این امر شامل شفافیت در عملیات، گزارش‌دهی مالی، و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی می‌باشد. شفافیت و پاسخگویی، اعتماد ذینفعان را به کیفیت حسابرسی افزایش می‌دهد (پوت و همکاران، ۲۰۰۸). در چارچوب حاکمیت شرکتی، پاسخگویی به معنای مسئولیت هیئت مدیره، مدیران، و سایر افراد کلیدی در قبال سهامداران و سایر ذینفعان است. این امر شامل ارائه گزارش‌های منظم، شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها، و پاسخگویی در برابر عملکرد شرکت می‌باشد. نهادهای قانون‌گذار با ارائه قوانین و مقررات می‌توانند حسابرسان را به پاسخ‌گویی سوق دهند (لینوکس و پیتمن، ۲۰۱۰). در حرفه حسابرسی، حسابرسان باید نسبت به انجام وظایف خود در قبال مشتریان و سایر ذینفعان پاسخگو باشند. این امر شامل ارائه گزارش‌های دقیق و بی‌طرفانه، رعایت استانداردهای حرفه‌ای، و حفظ استقلال است. حسابرسان تحت تاثیر قوانین الزام‌آور نهادهای نظارتی به سمت پاسخگویی هدایت می‌شوند (بارن و کوچ، ۲۰۱۰).

ارزش‌های اخلاقی در حاکمیت شرکتی نقش اساسی و بنیادینی دارند و به عنوان اصول راهنما برای مدیریت و کنترل شرکت‌ها عمل می‌کنند. ارزش‌های اخلاقی، حسابرسان را ترغیب به انجام کار با کیفیت می‌نماید (شورای گزارشگری مالی، ۲۰۲۰). ارزش‌های اخلاقی، مانند صداقت، درستکاری، و مسئولیت‌پذیری، پایه و اساس پاسخگویی و شفافیت در حاکمیت شرکتی هستند. وقتی مدیران و اعضای هیئت مدیره به ارزش‌های اخلاقی پایبند باشند، تمایل بیشتری به ارائه گزارش‌های دقیق، شفاف، و صادقانه دارند. این امر به جلب اعتماد سهامداران و سایر ذینفعان کمک می‌کند. همچنین، ارزش‌های اخلاقی با ایجاد اعتماد زمینه پاسخ‌گویی را فراهم می‌آورد (برومفیل، ۲۰۰۷). حاکمیت شرکتی بر حفظ منافع همه ذینفعان شرکت تأکید دارد. ارزش‌های اخلاقی به مدیران و هیئت مدیره کمک می‌کند تا در تصمیم‌گیری‌ها، منافع سهامداران، کارکنان، مشتریان، جامعه، و محیط زیست را در نظر بگیرند. به عنوان مثال، ارزش‌های اخلاقی می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات مسئولانه در مورد مسائل زیست‌محیطی یا حمایت از حقوق کارکنان شود. ارزش‌های اخلاقی، مانند بی‌طرفی و عدالت، در تضمین استقلال هیئت مدیره و کمیته‌های نظارتی نقش مهمی ایفا می‌کنند. اعضای هیئت مدیره باید به دور از تعصبات شخصی و منافع خاص، به نفع بلندمدت شرکت و منافع همه ذینفعان تصمیم بگیرند. حاکمیت شرکتی مسئولانه شامل پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی شرکت است. ارزش‌های اخلاقی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا فراتر از سودآوری صرف، به تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت‌های خود توجه کنند. این امر می‌تواند شامل مشارکت در پروژه‌های اجتماعی، حمایت از جامعه محلی، و رعایت استانداردهای اخلاقی در کسب و کار باشد. ارزش‌های اخلاقی می‌تواند به عنوان یک ابزار مهم در مدیریت ریسک عمل کند. به عنوان مثال، پایبندی به صداقت و درستکاری می‌تواند ریسک تقلب و فساد را کاهش دهد. همچنین، ارزش‌های اخلاقی می‌تواند در شناسایی و مدیریت ریسک‌های مرتبط با شهرت شرکت و مسئولیت‌های اجتماعی آن مؤثر باشد. شرکت‌هایی که ارزش‌های اخلاقی را در حاکمیت شرکتی خود نهادینه می‌کنند، بیشتر مورد اعتماد سهامداران، مشتریان، و جامعه قرار می‌گیرند. این امر می‌تواند به جذب سرمایه‌گذاری، حفظ مشتریان، و بهبود شهرت شرکت کمک کند. ارزش و قواعد اخلاقی با تعهد اعتماد و حفاظت از منافع استفاده‌کنندگان، سازمان را به سمت پاسخ‌گویی هدایت می‌نماید (سومرفلت و همکاران، ۲۰۱۹).

در نتیجه، ارزش‌های اخلاقی ستون فقرات حاکمیت شرکتی محسوب می‌شوند و به ایجاد یک چارچوب اخلاقی برای تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات شرکت‌ها کمک می‌کنند. این امر نه تنها به منافع شرکت، بلکه به منافع جامعه و ذینفعان نیز توجه دارد و به ایجاد یک کسب و کار پایدار و مسئولانه منجر می‌شود.

مفهوم حاکمیت شرکتی، به اصول و ساختارهایی اشاره دارد که بر اساس آن، یک سازمان یا شرکت اداره و کنترل می‌شود. هدف اصلی حاکمیت شرکتی، تضمین مدیریت مؤثر، پاسخگویی، و شفافیت در سازمان است. حاکمیت شرکتی چارچوبی است که از طریق آن، اهداف شرکت تعیین شده، راه‌های دستیابی به اهداف مشخص می‌گردد، و عملکرد مدیریت و نظارت بر آن ارزیابی

می‌شود. این چارچوب شامل مجموعه‌ای از روابط بین هیئت مدیره، مدیران، سهامداران، و سایر ذینفعان شرکت است. حاکمیت شرکتی عبارت است از مجموعه روابط بین هیئت مدیره، مدیران، سهامداران، و سایر ذینفعان شرکت. هدف اصلی آن، تضمین پاسخگویی، شفافیت، و انصاف در مدیریت شرکت است. حاکمیت شرکتی به سیستم‌ها، فرآیندها، و کنترل‌هایی اشاره دارد که از طریق آن، شرکت‌ها هدایت و کنترل می‌شوند. این امر شامل ساختار و عملکرد هیئت مدیره، و همچنین روابط آن با مدیران، سهامداران، و سایر ذینفعان است. به طور کلی، حاکمیت شرکتی به چگونگی اداره و کنترل یک شرکت اشاره دارد. این امر شامل اصول و سیاست‌هایی است که بر اساس آن، هیئت مدیره و مدیران ارشد، منافع سهامداران و سایر ذینفعان را در نظر می‌گیرند، و در عین حال، به دنبال اهداف بلندمدت و پایدار شرکت هستند. حاکمیت شرکتی بر جنبه‌های مختلفی از جمله شفافیت، پاسخگویی، عدالت، مسئولیت اجتماعی، و مدیریت ریسک تمرکز دارد. هدف آن تضمین حقوق سهامداران، بهبود عملکرد شرکت، و ایجاد اعتماد در میان ذینفعان است. اصول و ساختارهای حاکمیت شرکتی می‌تواند شامل مواردی مانند استقلال هیئت مدیره، کمیته‌های نظارتی، گزارش‌دهی منظم، و رعایت استانداردهای اخلاقی باشد.

موسسه‌های حسابرسی که عملکرد مطلوبی دارند، انگیزه دارند با ارائه اطلاعات داخلی موسسه به استفاده کنندگان، زمینه برای ارزیابی کیفیت و انتخاب حسابرسان از طرف صاحب کار علامت دهی مثبت دهند (ژائو و همکاران، ۲۰۱۹). نظریه علامت‌دهی در حسابرسی، یکی از مفاهیم مهم در زمینه ارتباطات مالی و نقش حسابرسان است. این نظریه بر اساس ایده‌ای است که حسابرسان مستقل از طریق گزارش‌های حسابرسی، سیگنال‌ها یا نشانه‌هایی را به بازار و ذینفعان ارسال می‌کنند که می‌تواند بر تصمیم‌گیری آنها تأثیر بگذارد. در نظریه علامت‌دهی، حسابرسان به عنوان فرستندگان سیگنال در نظر گرفته می‌شوند که از طریق گزارش‌های حسابرسی، اطلاعات مربوط به کیفیت گزارش‌های مالی شرکت‌ها را منتقل می‌کنند. این سیگنال‌ها می‌تواند شامل اظهارنظر حسابرسان در مورد صحت و درستی صورت‌های مالی، رعایت استانداردهای حسابداری، و همچنین هرگونه مسائل یا نگرانی‌های شناسایی شده باشد. ذینفعان مختلف شرکت، از جمله سرمایه‌گذاران، وام‌دهندگان، و مشتریان، به عنوان گیرندگان سیگنال عمل می‌کنند. آنها از سیگنال‌های ارسال شده توسط حسابرسان برای تصمیم‌گیری در مورد تعاملات خود با شرکت استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاران ممکن است از گزارش حسابرسی برای تصمیم‌گیری در مورد خرید یا فروش سهام استفاده کنند. نظریه علامت‌دهی بر اهمیت اعتماد و اعتبار حسابرسان تأکید دارد. اگر حسابرسان مستقل و بی‌طرف باشند و گزارش‌های آنها معتبر و با کیفیت باشد، سیگنال‌های ارسال شده توسط آنها نیز معتبرتر خواهد بود. این امر به ذینفعان کمک می‌کند تا با اطمینان بیشتر بر اساس گزارش‌های حسابرسی، تصمیم‌گیری کنند. یکی از نتایج نظریه علامت‌دهی این است که گزارش‌های حسابرسی می‌تواند بر هزینه سرمایه شرکت تأثیر بگذارد. گزارش‌های مثبت و بدون قید و شرط حسابرسان می‌تواند به کاهش ریسک ادراک شده توسط سرمایه‌گذاران منجر شود و در نتیجه، هزینه سرمایه را کاهش دهد. از سوی دیگر، گزارش‌های منفی یا حاوی قید و شرط می‌تواند ریسک را افزایش داده و هزینه سرمایه را بالا ببرد. شرکت‌ها ممکن است از نظریه علامت‌دهی برای انتخاب حسابرسان استفاده کنند. آنها می‌توانند حسابرسانی را انتخاب کنند که دارای اعتبار و شهرت بالایی هستند، زیرا گزارش‌های آنها می‌تواند سیگنال‌های قوی‌تری به بازار ارسال کند. این امر به جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش ریسک ادراک شده کمک می‌کند. در مجموع، نظریه علامت‌دهی در حسابرسی به درک اهمیت ارتباطات حسابرسان و تأثیر آن بر تصمیم‌گیری ذینفعان کمک می‌کند. حسابرسان مستقل و معتبر می‌توانند از طریق گزارش‌های خود، سیگنال‌های ارزشمندی را به بازار ارسال کنند که بر رفتار و تصمیمات ذینفعان تأثیرگذار است. همچنین، صرفاً جنبه‌های مثبت عملیات موسسه را نشان داده و جنبه‌های منفی را نشان نمی‌دهند (چنگ و همکاران، ۲۰۱۷).

بیگ پناه و همکاران (۱۴۰۴)، در پژوهشی به بررسی تأثیر ساختار حاکمیتی موسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداختند. جامعه آماری پژوهش حاضر متشکل از شرکتهای پذیرفته شده در بورس و موسسات حسابرسی آنها است؛ نمونه آماری پژوهش نیز با در نظر گرفتن برخی معیارها به روش غربالگری انتخاب شد (تعداد ۱۱۷ شرکت و ۴۲ موسسه حسابرسی). به منظور سنجش کیفیت حسابرسی از اقلام تعهدی اختیاری صاحبکاران و برای سنجش ساختار حاکمیت شرکتی موسسات حسابرسی، از نوزده شاخص در سه حوزه رعایت حقوق شرکاء (دو شاخص)، ساختار هیات مدیره (دو شاخص) و کیفیت افشاء (پانزده شاخص) استفاده شد. داده‌های مربوط به موسسات حسابرسی از طریق بررسی وضعیت داخلی موسسات حسابرسی و با استفاده از ابزار چک لیست گردآوری گردید. جهت آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان

داد نظام حاکمیتی مناسب در موسسات حسابرسی بهبود سطح کیفیت حسابرسی را در پی دارد، به گونه‌ای که موسسات دارای ساختار هیات مدیره مناسب، رعایت حقوق شرکاء و افشاء و شفافیت بالا، کیفیت حسابرسی بالاتری به بازار ارائه می‌دهند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که با بهبود اهرم کارکنان، کیفیت حسابرسی افزایش می‌یابد و موسسات حسابرسی با ساختار نیروی انسانی ارشدتر کیفیت حسابرسی بالاتری ارائه می‌دهند. همچنین ارتباطی بین اندازه و قدمت موسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی یافت نشد. این پژوهش بینش ارزشمندی جهت توسعه مبانی نظری حاکمیت شرکتی در موسسات حسابرسی فراهم می‌کند. این موضوع می‌تواند به حرفه حسابرسی و تدوین کنندگان استانداردها جهت بهبود بستر قانونی برای تقویت نظارت در موسسات حسابرسی و پاسخگویی عمومی آنها کمک کند.

شمسی و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی به ارائه الگویی برای بیان تأثیر گزارش حسابرسی بر کیفیت حسابرسی بخش عمومی با در نظر گرفتن نقش میانجی کنترل‌های داخلی مبتنی بر ریسک پرداختند. پژوهش حاضر از نوع اکتشافی و همبستگی است. در مرحله اول با استفاده از روش دلفی و نظرخواهی از ۵ خبره آشنا با موضوع، مولفه‌های مرتبط با هر یک از متغیرها شناسایی شد. بعد از این مرحله پرسشنامه ۵ گزینه‌ای بین ۱۱۰ نفر از حسابرسان و ذیحسابان بخش عمومی توزیع شد. برای تحلیل معادلات ساختاری از نرم افزار اسمارت‌پی‌ال‌اس استفاده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که (۱) گزارش حسابرسی بر کیفیت حسابرسی بخش عمومی تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ (۲) گزارش حسابرسی بر کنترل‌های داخلی مبتنی بر ریسک بخش عمومی تأثیر منفی و معناداری دارد؛ (۳) کنترل‌های داخلی مبتنی بر ریسک بخش عمومی بر کیفیت حسابرسی تأثیر منفی و معناداری دارد و (۴) اثر کل گزارش حسابرسی با کیفیت حسابرسی بخش عمومی از طریق غیر مستقیم توسط کنترل‌های داخلی مبتنی بر ریسک تبیین می‌شود و لذا نقش میانجی‌گری جزئی دارد. کنترل‌های داخلی مبتنی بر ریسک برای کاهش هزینه‌های حسابرسی مفید است و سبب افزایش پاسخگویی بخش عمومی خواهد شد.

یاری فرد و هاشمی (۱۴۰۳)، در پژوهشی به بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود بر رابطه بین گزارشگری مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. به‌منظور دستیابی به هدف فوق، اقدام به تدوین چهار فرضیه شد. بر این اساس به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۶۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۴۰۲ انتخاب شد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد گزارشگری مسئولیت اجتماعی بر ارزش شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد، یعنی افزایش گزارشگری مسئولیت اجتماعی، افزایش ارزش شرکت به دنبال دارد؛ علاوه بر این، نتایج بیانگر این است که کیفیت حسابرسی و حاکمیت شرکتی رابطه بین گزارشگری مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت را تقویت می‌کند. درحالی‌که، مدیریت سود رابطه بین گزارشگری مسئولیت اجتماعی و ارزش شرکت را تضعیف می‌کند.

هریوندی (۱۴۰۳)، در این تحقیق به بررسی تأثیر حسابرسی و نقش حسابرسان مستقل در حیطه مبارزه با فساد پرداخته شد تحقیق حاضر از منظر هدف یک تحقیق کاربردی و از منظر ماهیت و روش توضیحی و تبیینی می‌باشد. با توجه به تخصصی بودن موضوع فساد و به منظور سنجش نظر خبرگان از پرسش نامه استفاده شد. جامعه مد نظر نگارنده موسسات حسابرسی دارای درجه کیفی الف بوده سوالات پرسشنامه از نوع بسته بود و برای هر فرضیه چهار سوال مد نظر قرار گرفته شد. و از آزمون آلفای کرونباخ برای نتایج حاصل از پرسشنامه استفاده گردید. روش توزیع و جمع آوری پرسشنامه ها، مراجعه حضوری و بعضاً روش اینترنتی پست الکترونیکی بوده است. نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای سوالات پرسشنامه ۰/۷۹ به دست آمده که آماره آلفای کرونباخ نمایش دهنده مناسب بودن روایی و پایایی در تمام سوالات پرسشنامه حاضر می باشد. یافته های تحقیق بر اساس فرضیات نشان می دهد که برقراری الزامات پاسخگویی به حسابرسان مستقل در مبارزه با فساد مالی تاثیر دارد. درستکاری مدیران در مبارزه با فساد مالی تاثیر دارد، تدوین قوانین سختگیرانه مبارزه با جرایم مربوط به فساد بالاخص مالی تاثیر دارد.

غفوریان شاگردی و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی به بررسی اثر تعدیل گر دقت اظهارنظر حسابرس بر رابطه حاکمیت شرکتی با تغییر حسابرس در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار پرداخته شد. تحقیق حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بوده و با توجه به اینکه می‌تواند مورد استفاده ذینفعان بازار سهام ایران قرار گیرد، کاربردی می‌باشد. برای این منظور با توجه به شرایط و اعمال محدودیت‌های تحقیق، تعداد ۱۱۳ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ به‌عنوان نمونه انتخاب و داده‌های موردنیاز

گردآوری شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل داده‌های تابلویی به روش اثرات ثابت در قالب مدل لجستیک و نرم‌افزار STATA استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که اگر اظهار نظر حسابرسان از دقت بالایی برخوردار باشد، کمیته حسابرسی و استقلال هیئت مدیره باعث کاهش احتمال تغییر حسابرسان خواهد شد. از طرف دیگر، اگر اظهار نظر حسابرسان از دقت بالایی برخوردار باشد، مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی تأثیر معناداری بر احتمال تغییر حسابرسان نخواهد داشت.

مهدی پور و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهشی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و تغییر موسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی پرداختند. پژوهش حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث روش گردآوری اطلاعات، از نوع تحقیقات توصیفی تحلیلی است. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. جامعه آماری این تحقیق تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ به تعداد ۶۲۰ شرکت می‌باشد. برای انتخاب نمونه آماری، که نماینده مناسبی برای جامعه آماری مورد نظر باشد در ابتدا شرکت‌های جامعه آماری مورد بررسی و با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک انتخاب شده است. با عنایت به رابطه مثبت بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به صاحبان سهام شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد در انتخاب اعضای هیات مدیره به ویژگی مانند ترکیب اعضاء اندازه توجه داشته باشند، چرا که این ویژگی‌ها باعث افزایش کارایی هیات مدیره و نیز کمیته حسابرسی خواهد شد که این موضوع به نوبه خود می‌تواند به بهبود کیفیت حسابرسی کمک کند. نتایج این تحقیق نشان داد که رابطه بین تغییر حسابرسی و کیفیت حسابرسی را به طور منفی و معنادار نشان داد بنابراین به سرمایه‌گذاران و سایر تصمیم‌گیرندگان پیشنهاد می‌گردد در کنار سایر عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری تغییر موسسات حسابرسی را به عنوان فاکتوری مهم در تصمیمات خود لحاظ کنند.

اثنی عشق‌ری و بیگ پناه (۱۴۰۲)، در پژوهشی به بررسی و استخراج دیدگاه حسابرسان درباره پیشران‌ها و پسران‌های پیش‌روی مؤسسات حسابرسی در پاسخگویی به دینفعان گزارش‌های حسابرسی پرداختند. پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد تحلیلم انجام شده است. شرکای مؤسسات حسابرسی مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر بودند که به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان جمع‌آوری شدند و تا زمان دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت. در پژوهش حاضر، پس از انجام ۱۷ مصاحبه، اشباع نظری محرز شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهند از دیدگاه خبرگان، شاخصه‌های انجمن‌های حرفه‌ای فعال، جایگاه اجتماعی حسابرسان، تمایل به هم‌ریختی با صنعت، علامت‌دهی، روحیه ریسک‌پذیری، پاسخ‌خواهی دینفعان، بستر قانونی، عوامل ساختاری و کمیته حسابرسی فعال به‌عنوان پیشران‌های پاسخگویی و شاخص‌های طرح دعاوی حقوقی، ارتقای انتظارات دینفعان، منابع مالی ناکافی، نشت اطلاعاتی، کیفیت حسابرسی و ناهمگونی ادراکات نهادهای ناظر به‌عنوان پسران‌های ایجاد شفافیت و پاسخگویی به دینفعان گزارش‌های حسابرسی مطرح شدند. این پژوهش بینش ارزشمندی برای توسعه مبانی نظری پاسخگویی به دینفعان در مؤسسات حسابرسی فراهم می‌کند. این موضوع می‌تواند به حرفه حسابرسی و تدوین‌کنندگان استانداردها برای بهبود بستر قانونی برای تقویت نظارت در مؤسسات حسابرسی آنها کمک کند.

بیگ پناه و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به پاسخ‌گویی مؤسسه‌های حسابرسی با رویکرد تحلیل محتوا پرداختند. این پژوهش از نظر روش پژوهش، آمیخته (ترکیبی از داده‌های کیفی و کمی)، از لحاظ هدف، اکتشافی و از حیث نتیجه، توسعه‌ای است. در پژوهش حاضر، ۹۹ مقاله تحلیل شد و ۲۳ خبره که به روش گلوله‌برفی انتخاب شدند، شاخص‌های استخراج‌شده را رتبه‌بندی کردند که در نهایت با توجه به دیدگاه خبرگان، مقوله‌های استخراجی با استفاده از روش کمی آنتروپی شانون اولویت‌بندی شد. یافته‌ها: عوامل مرتبط به پاسخ‌گویی مؤسسه‌ها را می‌توان در ۳ گروه عوامل محرک (۹ مقوله)، عوامل بازدارنده (۳ مقوله) و ابعاد پاسخ‌گویی (۸ مقوله) دسته‌بندی کرد. از دیدگاه خبرگان این پژوهش، به‌ترتیب الزام قانون به پاسخ‌گویی مؤسسه‌ها، وجود انجمن‌های حرفه‌ای فعال، نیاز ذی‌نفعان به پاسخ‌گویی مؤسسه‌ها، کمیته حسابرسی فعال، توجه جامعه به فعالیت حسابرسان، تمایل شخصی شرکا به افشای اطلاعات داخلی مؤسسه، پرمحتوا بودن گزارش حسابرسان، علامت‌دهی به ذی‌نفعان و اخلاق‌مداری مؤسسه حسابرسی، مؤسسه‌های حسابرسی را به سمت پاسخ‌گویی سوق می‌دهد و به‌ترتیب افزایش انتظارات ذی‌نفعان از مؤسسه‌های حسابرسی، هزینه‌های غیرمستقیم و مستقیم افشای اطلاعات، مانعی برای حرکت مؤسسه‌های حسابرسی به سمت پاسخ‌گویی است. همچنین، از دیدگاه خبرگان، افشای اطلاعات در رابطه با سیستم کنترل کیفی مؤسسه، تکنولوژی مورد استفاده حسابرسان، مالکیت و ساختار قانونی مؤسسه، نظام حاکمیتی مؤسسه‌ها، سیاست‌های استقلال مؤسسه، وضعیت و عملکرد مالی

مؤسسه، آموزش حرفه‌ای مستمر کارکنان و همکاری‌های بین‌المللی مؤسسه، به‌ترتیب برای ذی‌نفعان پاسخ‌گویی مؤسسه‌های حسابرسی حائز اهمیت است. الاد و همکاران^۱ (۲۰۲۰)، در پژوهشی دریافتند کنترل بودجه‌ای بر پاسخگویی تأثیر معناداری دارد. آدیمی و اولاراواجو^۲ (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی تأثیر کنترل داخلی بر پاسخگویی در کشور نیجریه پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که محیط کنترلی و نظارتی بر پاسخگویی رابطه معنادار و مثبتی دارد. دوی و همکاران^۳ (۲۰۱۹)، در پژوهشی دریافتند که کنترل داخلی و نظارت بر پاسخگویی اثر مثبت دارند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی با رویکرد اکتشافی و در بازه زمانی سال ۱۴۰۳ صورت گرفته است. روش انجام پژوهش آمیخته بوده که به‌صورت کیفی و کمی انجام گردیده است. در مرحله اول با استفاده از روش نظریه پردازی داده‌بنیاد که به‌عنوان روش اصلی پژوهش استفاده می‌شود، مؤلفه‌ها و شاخص‌های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی از دیدگاه خبرگان شناسایی می‌گردد. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل حسابرسان و اعضای هیات علمی دانشگاه می‌باشد که انتخاب نمونه آماری بر اساس معیارهای، رشته تخصصی حسابرسی یا حسابداری باشد، تجربه کاری بیش از پنج سال داشته باشند، شاغل در حرفه حسابرسی باشد، و پژوهشی در زمینه حسابرسی و حاکمیت شرکتی انجام داده باشند. در پژوهش حاضر نمونه آماری به‌صورت هدفمند (گزینشی) به تعداد ۲۰ نفر از حسابرسان و اعضای هیئت علمی دانشگاه انتخاب گردیده است. در مرحله دوم از دیدگاه خبرگان که به‌صورت کمی انجام گردیده است، رتبه بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها از طریق آزمون فریدمن صورت گرفت. در نهایت در مرحله سوم که به‌صورت کمی انجام گردیده است جهت سنجش اعتبار مؤلفه‌ها و شاخص‌های استخراج شده، لازم بود مؤلفه‌ها و شاخص‌های تدوین شده در قالب پرسشنامه محقق ساخته بین نمونه آماری توزیع گردد. جامعه آماری مورد بررسی به دلیل نامعین بودن جامعه آماری و عدم دسترسی به شمار دقیق اعضای جامعه و گستردگی آن، با توجه به تبادل نظر با اساتید و خبرگان حرفه، را اعضای هیأت علمی، حسابرسان تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری به‌صورت تصادفی اتفاقی (در دسترس) و تعداد نمونه با استفاده از جدول مورگان برای جامعه هدف به‌طور تقریبی ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. در پرسشنامه محقق ساخته مورداستفاده از طیف لیکرت پنج گزینه‌ای و گزینه‌های «بسیار مطلوب» مقدار کمی ۵، «مطلوب» مقدار کمی ۴، «متوسط» مقدار کمی ۳، «نامطلوب» مقدار کمی ۲ و «بسیار نامطلوب» مقدار کمی ۱ استفاده شد. پرسشنامه به‌صورت حضوری، الکترونیکی و در گروه‌های تخصصی مجازی بین اعضای نمونه آماری توزیع شد. جهت سنجش روایی پرسشنامه از نظر اساتید، خبرگان حرفه و دانشگاه و جهت پایایی سوال‌های پرسشنامه از آزمون ضریب آلفای کرونباخ و جهت نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده گردید. برای پاسخ به سؤال سوم پژوهش از آزمون تی و از نرم افزار اس پی اس اس استفاده شده است.

یافته های پژوهش

اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان پژوهش در بخش کیفی

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات جمعیت‌شناسی در جدول ۱ الی ۵ ارائه گردیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین درصد پاسخگویان ۹۰ درصد جنسیت خود را مرد و کمترین در صد ۱۶ درصد نیز جنسیت خود را زن گزارش کرده‌اند، در ارتباط با تحصیلات بیشترین درصد پاسخگویان ۷۰ درصد تحصیلات خود را فوق‌لیسانس و کمترین در صد ۳۰ درصد نیز تحصیلات خود را دکتری گزارش کرده‌اند، در ارتباط با رشته تحصیلی بیشترین درصد پاسخگویان ۶۰ درصد رشته تحصیلی خود حسابداری و کمترین در صد ۱۵ درصد نیز رشته تحصیلی خود را سایر رشته‌ها (مدیریت مالی و مدیریت) گزارش کرده‌اند،

¹ Alade, et al.

² Adeyemi, F.K., Olarewaju, O.M.

³ Dewi, et al.

در ارتباط با شغل بیشترین درصد پاسخگویان ۵۵ درصد شغل خود را حسابرس سازمان حسابرسی کشور و کمترین در صد ۱۰ درصد نیز شغل خود را حسابرس دیوان محاسبات کشور گزارش کرده‌اند، در ارتباط با سابقه کار بیشترین درصد پاسخگویان ۶۰ درصد سابقه کار خود را بالای ۱۰ تا ۱۵ سال و کمترین در صد ۱۰ درصد نیز سابقه خود را بالای ۱۵ سال گزارش کرده‌اند.

جدول ۱- اطلاعات جمعیت‌شناسی (جنسیت) (منبع: یافته های محقق)

عنوان	شرح	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۸	٪۹۰
	زن	۲	٪۱۰
	کل	۲۰	۱۰۰

جدول ۲- اطلاعات جمعیت‌شناسی (میزان تحصیلات) (منبع: یافته های محقق)

عنوان	شرح	فراوانی	درصد
میزان تحصیلات	فوق لیسانس	۱۴	٪۷۰
	دکتری	۶	٪۳۰
	کل	۲۰	۱۰۰

جدول ۳- اطلاعات جمعیت‌شناسی (رشته تحصیلی) (منبع: یافته های محقق)

عنوان	شرح	فراوانی	درصد
رشته تحصیلی	حسابرسی	۵	٪۲۵
	حسابداری	۱۲	٪۶۰
	سایر	۳	٪۱۵
	کل	۲۰	۱۰۰

جدول ۴- اطلاعات جمعیت‌شناسی (شغل) (منبع: یافته های محقق)

عنوان	شرح	فراوانی	درصد
شغل	حسابرس سازمان حسابرسی	۱۱	٪۵۵
	حسابرس دیوان محاسبات	۲	٪۱۰
	هیئت علمی	۷	٪۳۵
	کل	۲۰	۱۰۰

جدول ۵- اطلاعات جمعیت‌شناسی (میزان سابقه کار) (منبع: یافته های محقق)

عنوان	شرح	فراوانی	درصد
میزان سابقه کار	۱۰-۶	۶	٪۳۰
	۱۵-۱۰	۱۲	٪۶۰
	بالای ۱۵	۲	٪۱۰
	کل	۲۰	۱۰۰

یافته‌های بخش کیفی

جهت جمع‌آوری داده‌ها از روش نظریه داده‌بنیاد و از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در بخش کیفی استفاده شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از کدگذاری باز و محوری و گزینشی استفاده شد. در پژوهش حاضر با استفاده از روش مصاحبه با خبرگان و انجام کدگذاری باز و محوری مؤلفه‌ها و شاخص‌های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی شناسایی گردید.

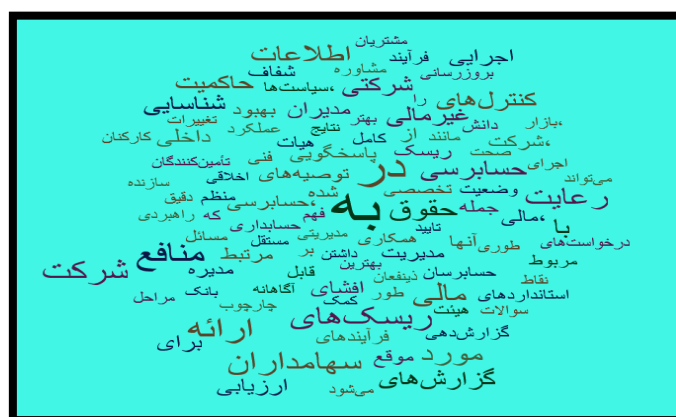
در ادامه به صورت نمونه بخشی از چگونگی کدگذاری باز با یکی از مصاحبه شوندگان جهت شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی ارائه شده است:

پاسخگویی در سازمان‌ها همیشه نقش حیاتی ایفا نموده است، حسابرسان هم از این قاعده مستثنی نیستند. در سازمان‌ها یکی از مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی پاسخگویی است. خدا بیامرزد آقای دکتر حساس یگانه را، ایشان در کتاب فلسفه حسابرسی، بهترین تعریف از حاکمیت شرکتی را پاسخگویی بیان نمودند. بنابراین، پاسخگویی در سازمان‌ها مهم ارزیابی می‌گردد. حسابرسان در عمل ملزم به اتخاذ رویکردی جامع هستند. این رویکرد شامل بررسی دقیق صورت‌های مالی، ارزیابی ریسک‌های حاکمیت شرکتی، تعامل با هیئت مدیره و کمیته‌های مربوطه، و اطمینان از افشای به موقع و دقیق اطلاعات است. این فرایند پیچیده، نیازمند دانش تخصصی، استقلال، و تعهد به اصول اخلاقی است. شفافیت اطلاعات، ستون فقرات حاکمیت شرکتی را تشکیل می‌دهد. حسابرسان به صورت معقول تضمین کنند که گزارش‌های مالی و غیرمالی به صورت کامل و شفاف تهیه می‌شوند تا سهامداران و ذینفعان درک بهتری از وضعیت شرکت داشته باشند و بتوانند تصمیمات آگاهانه‌ای اتخاذ کنند. شفافیت، اعتماد عمومی را افزایش داده و یکپارچگی بازار را حفظ می‌کند. پاسخگویی به ذینفعان، مستلزم درک حقوق و منافع هر گروه است. حسابرسان اطمینان معقول حاصل کنند که حقوق کارکنان رعایت می‌شود، منافع مشتریان محافظت می‌شود، و بستانکاران اطلاعات لازم در مورد وضعیت مالی شرکت را دریافت می‌کنند. این امر، تعامل و ارتباط مؤثر با گروه‌های ذینفع را ضروری می‌سازد. اصول اخلاقی و رفتار حرفه‌ای، پایه و اساس حرفه حسابرسی را تشکیل می‌دهند. حسابرسان بهتر است به حفظ صداقت، بی‌طرفی، و محرمانه بودن اطلاعات متعهد باشند. همچنین، دانش فنی و تخصصی نیز ضروری است و حسابرسان اطلاعات تخصصی و دانش فنی را به روز نگه دارند تا با آخرین استانداردهای حسابرسی و بهترین شیوه‌ها همگام باشند. پاسخگویی به سهامداران، جنبه اساسی کار حسابرسان است که بر ارتباط آنها با سهامداران تمرکز دارد. این امر شامل ارائه گزارش‌های شفاف و قابل فهم، پاسخگویی به سوالات و نگرانی‌ها، و افشای به موقع اطلاعات مالی و غیرمالی است. حسابرسان با هیئت مدیره و مدیران اجرایی تعامل نزدیک داشته باشند و به طور منظم گزارش‌های حسابرسی را ارائه داده، یافته‌ها را توضیح داده، و راهکارهای اصلاحی را پیشنهاد کنند. شناسایی، ارزیابی، و مدیریت ریسک‌های مالی و غیرمالی، وظیفه حیاتی حسابرسان است. افشای کامل و به موقع اطلاعات، صحت گزارش‌های مالی را تأیید کرده و استانداردهای گزارش‌دهی را رعایت می‌کند که این امر، اعتماد ذینفعان را جلب می‌کند. حاکمیت شرکتی، فراتر از سهامداران است و حقوق و منافع کارکنان، مشتریان، تأمین‌کنندگان، بستانکاران، جامعه، و بانک‌ها را نیز در بر می‌گیرد. گزارش‌ها به

گونه‌ای تهیه شوند که برای سهامداران و سایر ذینفعان قابل درک بوده و شامل جزئیات کافی در مورد وضعیت مالی و ریسک‌های شرکت باشند. حسابرسان استقلال خود را حفظ کنند و منافع سهامداران را به صورت عادلانه در نظر بگیرند تا گزارش‌ها بدون جانبداری تهیه شوند. ارزیابی ریسک‌های مربوط به مدیریت، مالکیت، و کنترل شرکت، و گزارش‌دهی آنها به سهامداران، به درک بهتر خطرات بالقوه کمک می‌کند. تعامل با کمیته‌های حسابرسی و ارائه مشاوره و اطلاعات مورد نیاز، فرآیندهای حاکمیت شرکتی را بهبود می‌بخشد. افشای به موقع اطلاعات مالی و غیرمالی، به سهامداران و ذینفعان امکان می‌دهد تا تصمیمات آگاهانه‌ای اتخاذ کنند. حسابرسان به درخواست‌های معقول سهامداران پاسخ داده و به نگرانی‌های آنها توجه کنند. ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها، رویه‌ها و کنترل‌های داخلی شرکت در مدیریت ریسک و ارائه توصیه‌های بهبود، از جمله وظایف حسابرسان است.

مرحله اول: کدگذاری باز (اولیه):

در نظریه پردازی داده‌محور کدگذاری باز فرایندی تحلیلی بوده که در طی آن، مفاهیم شناسایی و بر اساس خصائص و ابعادشان بسط داده می‌شوند. مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان و با استفاده از متون مقالات مرتبط، مولفه‌ها و شاخص‌ها استخراج و مفهوم پردازی شده و توسط کدها نام‌گذاری گردیدند.



شکل ۱- ابرکلمات پر تکرار در مصاحبه با خبرگان

مرحله دوم: کدگذاری محوری:

اساس طبقه‌بندی در کدگذاری محوری، مطالعه پژوهش‌های پیشین و شناخت کافی و احاطه به موضوع و تسلط نظری به موضوع مورد مطالعه و دستیابی به بینشی به‌منظور یافتن مشترکات شاخص‌ها حول یک محور مشخص هست. در این مرحله، وجه اشتراک مفاهیم مشخص شده و دسته‌بندی صورت پذیرفته و در نتیجه مؤلفه و شاخص ایجاد می‌شوند. در این بخش محقق به مقوله پردازی می‌پردازد. طبق اطلاعات جدول ۶ در ارتباط با شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی، ۶ مؤلفه و ۳۷ شاخص شناسایی گردید. در شکل ۱ مؤلفه‌ها و شاخص‌های پر تکرار در مصاحبه‌های انجام‌شده با خبرگان نشان داده شده است.

مرحله سوم: کدگذاری گزینشی (انتخابی):

در پایان جهت نشان دادن روابط میان مؤلفه‌ها و شاخص‌ها به‌دست‌آمده، کدگذاری گزینشی انجام گرفت که در جدول ۶ در کدگذاری گزینشی نشان داده‌شده است.

جدول ۶، شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی

شرح	کد های اصلی	مؤلفه ها	کدهای فرعی	شاخص ها
مؤلفه‌ها و شاخص‌های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی	A	پاسخگویی به سهامداران	A1	ارائه گزارش‌های حسابرسی به طور شفاف و قابل فهم به سهامداران
			A2	پاسخگویی حسابرسان به سهامداران در چارچوب حاکمیت شرکتی
			A3	راائه گزارش‌های کافی در مورد وضعیت مالی شرکت، ریسک‌ها و کنترل‌های داخلی
			A4	افشای کامل و به موقع اطلاعات مالی و غیرمالی مرتبط با حاکمیت شرکتی
			A5	افشای سیاست‌ها، رویه‌ها، و هرگونه تغییرات در ساختار شرکت
			A6	پاسخ به درخواست‌های معقول سهامداران
			A7	احترام به حقوق سهامداران و توجه به منافع آنها در فرآیند حسابرسی
			A8	پاسخگویی به موقع و دقیق به سوالات و نگرانی‌های سهامداران در مورد مسائل مالی، حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت
			A9	ارزیابی و گزارش‌دهی ریسک‌هایی که می‌تواند بر منافع سهامداران تأثیر بگذارد، مانند ریسک‌های مربوط به مدیریت، مالکیت و کنترل شرکت
			A10	استقلال و بی‌طرفی حسابرسان در فرآیند حسابرسی، به طوری که منافع سهامداران به طور عادلانه در نظر گرفته شود
			A11	همکاری با کمیته‌های سهامداران، مانند کمیته حسابرسی، و ارائه مشاوره و اطلاعات مورد نیاز به آنها
	B	پاسخگویی به هیات مدیره یا مدیران اجرایی	B1	ارائه منظم گزارش‌های حسابرسی و نتایج بررسی‌های خود را به هیات مدیره و مدیران اجرایی
			B2	ارائه توضیحات واضح و جامع در مورد یافته‌های حسابرسی، از جمله نقاط قوت و ضعف کنترل‌های داخلی، ریسک‌های شناسایی شده و توصیه‌های بهبود
			B3	پیشنهاد اصلاحی و کمک به هیات مدیره و مدیران اجرایی در درک بهتر وضعیت مالی و ریسک‌های شرکت برای اتخاذ تصمیم‌های راهبردی آگاهانه
			B4	ارائه مشاوره در مورد بهترین شیوه‌های مدیریتی
			B5	همکاری با هیئت مدیره و مدیران اجرایی برای شناسایی فرصت‌های بهبود در فرآیندهای مالی، حسابداری و کنترل‌های داخلی
			B6	ارائه توصیه‌های حرفه‌ای و مشاوره‌های مستقل در مورد مسائل مالی، حسابداری، و حاکمیت شرکتی
			B7	حفظ محرمانه بودن اطلاعات حساس شرکت و تضمین اینکه اطلاعات فقط با افراد مجاز به اشتراک گذاشته می‌شود
	C	پاسخگویی نسبت به فرآیندهای مدیریت ریسک	C1	شناسایی و ارزیابی ریسک
			C2	افشای ریسک‌های مهم و عوامل تأثیرگذار بر عملکرد شرکت
			C3	ارزیابی اثربخشی سیستم‌های مدیریت ریسک شرکت، از جمله سیاست‌ها، رویه‌ها و کنترل‌های داخلی
			C4	شناسایی و ارزیابی ریسک‌های مالی و غیرمالی شرکت، شامل ریسک‌های مرتبط با عملیات، بازار، اعتبار و همچنین ریسک‌های مربوط به حاکمیت شرکتی
			C5	ارائه گزارش‌های شفاف و منظم در مورد ریسک‌های شناسایی شده و نحوه مدیریت آنها به هیئت مدیره، مدیران اجرایی و سهامداران
			C6	ارائه توصیه‌های سازنده برای بهبود فرآیندهای مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی شرکت
	D	پاسخگویی نسبت به شفافیت اطلاعات	D1	افشای کامل و به موقع اطلاعات مالی و غیرمالی مرتبط با شرکت
			D2	تأیید کیفیت و صحت اطلاعات ارائه شده در گزارش‌های مالی و غیرمالی
			D3	تهیه گزارش حسابرسی برای ذینفعان به صورت قابل فهم و شفاف
			D4	رعایت استانداردهای گزارش‌دهی مالی و غیرمالی از جمله استانداردهای حسابداری و حسابرسی
	E	پاسخگویی نسبت به ذینفعان	E1	رعایت حقوق و منافع کارکنان
			E2	رعایت حقوق و منافع مشتریان
			E3	رعایت حقوق و منافع تأمین‌کنندگان
			E4	رعایت حقوق و منافع پست‌انکاران
			E5	رعایت حقوق و منافع جامعه
			E6	رعایت حقوق و منافع بانک‌ها
	F	پاسخگویی اخلاقی و رفتار حرفه‌ای	F1	اجرای اصول اخلاقی در تمام مراحل حسابرسی
			F2	داشتن دانش فنی و تخصصی
			F3	بروزرسانی دانش فنی و تخصصی

یافته‌های بخش کمی

باتوجه به اطلاعات جدول ۷ و نتایج آزمون فریدمن، رتبه‌بندی مولفه‌های پاسخگویی حساب‌رسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی طبق نظر خبرگان به ترتیب عبارت‌اند از: مولفه پاسخگویی به سهامداران در رتبه اول، مولفه پاسخگویی نسبت به شفافیت اطلاعات در رتبه دوم، مولفه پاسخگویی نسبت به ذینفعان در رتبه سوم، مولفه پاسخگویی به هیات مدیره یا مدیران اجرایی در رتبه چهارم، مولفه پاسخگویی نسبت به فرآیندهای مدیریت ریسک در رتبه پنجم و مولفه پاسخگویی اخلاقی و رفتار حرفه‌ای در رتبه ششم قرار گرفت.

جدول ۷- رتبه‌بندی مولفه‌های پاسخگویی حساب‌رسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی (منبع: یافته‌های محقق)

رتبه	آماره آزمون	مولفه‌ها
۱	۴/۵۴	پاسخگویی به سهامداران
۴	۴/۲۶	پاسخگویی به هیات مدیره یا مدیران اجرایی
۵	۴/۰۸	پاسخگویی نسبت به فرآیندهای مدیریت ریسک
۲	۴/۴۹	پاسخگویی نسبت به شفافیت اطلاعات
۳	۴/۳۷	پاسخگویی نسبت به ذینفعان
۶	۳/۹۵	پاسخگویی اخلاقی و رفتار حرفه‌ای

روایی و پایایی پرسشنامه

در این پژوهش، روایی پرسش‌نامه با مشورت متخصصان و اساتید حوزه مورد نظر تایید شده است. برای ارزیابی پایایی پرسش‌نامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که روشی شناخته‌شده برای سنجش سازگاری درونی گزینه‌های تحقیق است. این ضریب به‌ویژه در پرسش‌نامه‌هایی با طیف لیکرت و پاسخ‌های چندگزینه‌ای کاربرد دارد. نتایج نشان داد که آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ درصد است که حاکی از پایایی بالای پرسش‌نامه می‌باشد. این عدد بالاتر از حد مطلوب ۰/۷۰ درصد است. همچنین، بررسی توزیع داده‌ها نشان داد که الگوی نرمال را دنبال می‌کند، زیرا سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ درصد است. نتایج آزمون‌های آماری در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸- نتایج آزمون پایایی و نرمال بودن سؤال‌های پژوهش

ردیف	سؤال‌های پژوهش	تعداد سوال	مقدار آلفای کرونباخ	سطح معنی‌داری
۱	پاسخگویی به سهامداران	۱۱	۰/۹۵	۰/۵۳۱
۲	پاسخگویی به هیات مدیره یا مدیران اجرایی	۷	۰/۹۰	۰/۴۲۰
۳	پاسخگویی نسبت به فرآیندهای مدیریت ریسک	۶	۰/۸۵	۰/۳۱۴
۴	پاسخگویی نسبت به شفافیت اطلاعات	۴	۰/۹۲	۰/۱۸۷
۵	پاسخگویی نسبت به ذینفعان	۶	۰/۸۹	۰/۲۸۹
۶	پاسخگویی اخلاقی و رفتار حرفه‌ای	۳	۰/۸۴	۰/۴۳۵
	جمع	۳۷	۰/۹۲	-

در جدول ۹ آماره‌های توصیفی سؤال‌های پرسش‌نامه پژوهش ارائه گردیده است. اطلاعات نشان می‌دهد که جامعه آماری پژوهش کلیه سؤال‌های پژوهش را مورد تأیید قرار داده‌اند؛ زیرا میانگین بزرگ‌تر از ۳ بوده است، کلیه مقادیر سطح معنی‌داری به‌دست آمده

نیز کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است. بنابراین، مولفه ها و شاخص های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی از اعتبار لازم برخوردار می باشد.

جدول ۹- توصیف متغیرهای مربوط به سؤال های پژوهش

سؤال های پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	آماره تی	اختلاف از میانگین	درجه آزادی	سطح معنی داری
پاسخگویی به سهامداران	۳۸۴	۴/۸۴	۰/۵۳۱	۰/۰۳۴	۱۲/۴۰	۱/۸۴	۳۸۳	۰/۰۰۰
پاسخگویی به هیات مدیره یا مدیران اجرایی	۳۸۴	۴/۷۰	۰/۶۷۴	۰/۰۴۸	۱۲/۳۹	۱/۷۰	۳۸۳	۰/۰۰۰
پاسخگویی نسبت به فرآیندهای مدیریت ریسک	۳۸۴	۴/۴۲	۰/۵۳۹	۰/۰۳۹	۱۲/۹۷	۱/۴۲	۳۸۳	۰/۰۰۰
پاسخگویی نسبت به شفافیت اطلاعات	۳۸۴	۴/۷۵	۰/۶۱۲	۰/۰۴۶	۱۲/۳۵	۱/۷۵	۳۸۳	۰/۰۰۰
پاسخگویی نسبت به ذینفعان	۳۸۴	۴/۶۸	۰/۵۳۵	۰/۰۲۵	۱۱/۰۵	۱/۶۸	۳۸۳	۰/۰۰۰
پاسخگویی اخلاقی و رفتار حرفه ای	۳۸۴	۴/۳۱	۰/۵۵۴	۰/۰۳۱	۱۲/۱۴	۱/۳۱	۳۸۳	۰/۰۰۰

نتیجه گیری

تقویت پاسخگویی، اعتماد سهامداران و ذینفعان را افزایش داده و به بهبود عملکرد شرکت و تقویت حاکمیت شرکتی منجر می شود (وانگ و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین، پاسخگویی به افزایش اعتماد ذینفعان، بهبود تصمیم گیری های آگاهانه و تقویت حاکمیت شرکتی کمک می کند. بنابراین، این امر به ایجاد یک محیط تجاری سالم و شفاف منجر می شود که در آن همه ذینفعان می توانند به طور عادلانه مشارکت کنند (الحسینی و التویل، ۲۰۱۸). هدف از انجام پژوهش حاضر، شناسایی و رتبه بندی مولفه ها و شاخص های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی بود. در این ارتباط، ۶ مؤلفه شامل، مولفه پاسخگویی به سهامداران، مولفه پاسخگویی به هیات مدیره یا مدیران اجرایی، مولفه پاسخگویی نسبت به فرآیندهای مدیریت ریسک، مولفه پاسخگویی نسبت به شفافیت اطلاعات، مولفه پاسخگویی نسبت به ذینفعان و مولفه پاسخگویی اخلاقی و رفتار حرفه ای و ۳۷ شاخص شناسایی گردید. حاکمیت شرکتی نیازمند پاسخگویی شفاف از سوی حسابرسان است که همراه با (۱) ارائه گزارش های شفاف، پاسخگویی به افشای کامل اطلاعات و احترام به حقوق سهامداران، (۲) ارائه گزارش های منظم، مشاوره های حرفه ای و کمک به درک بهتر ریسک ها و فرصت ها، (۳) شناسایی، ارزیابی و گزارش ریسک ها و ارائه توصیه های بهبود برای سیستم های مدیریت ریسک، (۴) افشای کامل و به موقع اطلاعات، تایید صحت گزارش ها و رعایت استانداردهای گزارش دهی، (۵) رعایت حقوق و منافع همه ذینفعان از جمله کارکنان، مشتریان، تامین کنندگان، جامعه و بستانکاران و (۶) پایبندی به اصول اخلاقی، تخصص کافی و بروزرسانی مداوم دانش حسابرسی باشد. نتایج پژوهش با مطالعات دوی و همکاران (۲۰۱۹) و بیگ پناه و همکاران (۱۴۰۱) هم راستا است.

رتبه بندی مولفه های پاسخگویی حسابرسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی طبق نظر خبرگان به ترتیب عبارت اند از: مولفه پاسخگویی به سهامداران در رتبه اول، مولفه پاسخگویی نسبت به شفافیت اطلاعات در رتبه دوم، مولفه پاسخگویی نسبت به ذینفعان در رتبه سوم، مولفه پاسخگویی به هیات مدیره یا مدیران اجرایی در رتبه

چهارم، مولفه پاسخگویی نسبت به فرآیندهای مدیریت ریسک در رتبه پنجم و مولفه پاسخگویی اخلاقی و رفتار حرفه ای در رتبه ششم قرار گرفت. رتبه‌بندی مولفه‌های پاسخگویی حساب‌رسان مبتنی بر حاکمیت شرکتی، به عنوان یک چارچوب نظری و عملی، می‌تواند بینش‌های ارزشمندی را برای محققان، قانونگذاران و حساب‌رسان ارائه دهد. این رتبه‌بندی، که بر اساس نظر خبرگان تدوین شده است، بر اهمیت نسبی هر مولفه در تضمین یک سیستم حاکمیت شرکتی قوی و شفاف تاکید دارد. این رتبه‌بندی به حساب‌رسان و نهادهای نظارتی کمک می‌کند تا بر جنبه‌های حیاتی پاسخگویی تمرکز کنند. با توجه به محدودیت منابع، اولویت‌بندی این مولفه‌ها می‌تواند اطمینان حاصل کند که تلاش‌ها و نظارت‌ها در حوزه‌هایی متمرکز شود که بیشترین تاثیر را بر بهبود حاکمیت شرکتی دارند. رتبه‌بندی می‌تواند به عنوان یک ابزار ارزیابی ریسک عمل کند. مولفه‌های با رتبه بالاتر، به دلیل تاثیر قابل توجه‌ترشان بر شفافیت و پاسخگویی، ممکن است در صورت عدم توجه مناسب، ریسک‌های بیشتری را برای شرکت‌ها و ذینفعان به همراه داشته باشند. نهادهای استانداردگذار می‌توانند از این رتبه‌بندی برای توسعه و به روزرسانی استانداردهای حساب‌رسی استفاده کنند. تاکید بر مولفه‌های کلیدی می‌تواند به ایجاد دستورالعمل‌های واضح‌تر و جامع‌تر برای حساب‌رسان منجر شود، که در نهایت به بهبود کیفیت حساب‌رسی و گزارشگری مالی کمک می‌کند. رتبه‌بندی برای محققان نیز مفید است. آنها می‌توانند مطالعات خود را بر روی مولفه‌های با اهمیت بالاتر متمرکز کنند، شواهد تجربی جمع‌آوری کنند و روابط علی بین این مولفه‌ها و عملکرد شرکت را بررسی نمایند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بهبود پاسخگویی به سهامداران، به ویژه از طریق گزارش‌دهی شفاف و ارتباط موثر، با افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران، بهبود ارزش شرکت و کاهش هزینه‌های سرمایه مرتبط است (بال و همکاران، ۲۰۰۹). شفافیت اطلاعات مالی و غیرمالی، به عنوان یک اولویت دوم، نقش حیاتی در کاهش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهامداران دارد. مطالعات نشان می‌دهد که شفافیت بیشتر با بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و کاهش ریسک سیستماتیک مرتبط است (چن و همکاران، ۲۰۱۷). توجه به حقوق و منافع ذینفعان مختلف، از کارکنان تا جامعه، به عنوان یک مولفه مهم در حاکمیت شرکتی، می‌تواند به بهبود پایداری و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها منجر شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در نظر گرفتن منافع ذینفعان می‌تواند به وفاداری مشتری، بهبود روحیه کارکنان و در نهایت افزایش سودآوری بلندمدت کمک کند (فریمن و همکاران، ۲۰۱۰).

پیشنهادهای برای پژوهش‌های آتی

۱. بررسی تاثیر فناوری‌های نوین بر پاسخگویی حساب‌رسان در حاکمیت شرکتی، و
۲. ارزیابی اثربخشی شاخص‌های پاسخگویی بر عملکرد شرکت مبتنی بر حاکمیت شرکتی.

منابع

۱. اثنی عشری، حمیده، بیگ پناه، بهزاد. (۱۴۰۲). پاسخگویی عمومی مؤسسات حسابرسی: واکاوی دیدگاه حسابرسان. نشریه پژوهش های حسابداری مالی، ۱۵ (۳)، ۲۹-۵۲.
doi: 10.22108/far.2023.137394.1961
۲. باباجانی، جعفر (۱۳۸۹)، مبانی نظری حسابداری و گزارشگری مالی شهرداری‌ها، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۳. بیگ پناه، بهزاد، اثنی عشری، حمیده، هشی، عباس، اسدی، غلامحسین. (۱۴۰۱). پاسخ‌گویی مؤسسه‌های حسابرسی: رویکرد تحلیل محتوا. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۹ (۲)، ۲۱۳-۲۴۱.
doi:10.22059/acctgrev.2021.329236.1008590
۴. بیگ پناه، بهزاد، اثنی عشری، حمیده، هشی، عباس، اسدی، غلامحسین. (۱۴۰۴). تاثیر نظام حاکمیت مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۴ (۵۶)، ۹۷-۱۱۳.
۵. حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۸)، فلسفه حسابرسی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۶. زارع، ایمان؛ غلامی جمکرانی، رضا؛ مرادی، محمد؛ بابایی فرد، اسدالله؛ جهانگیرنیا، حسین. (۱۴۰۰). پاسخگویی در حسابداری از منظر اسلام با محوریت تئوری ساخت یابی، نشریه علمی تحقیقات مالی اسلامی، ۱۰ (۲)، ۱۸۵-۱۳۱.
۷. سازمان حسابرسی (۱۴۰۳)، استانداردهای مصوب حسابداری و حسابرسی.
۸. شمسی، قباد؛ جمشیدی نوید، بابک؛ قنبری، مهرداد؛ محمدی یاریجانی، فروزان (۱۴۰۳). ارائه الگوی مطلوب گزارش حسابرسی و کیفیت حسابرسی بخش عمومی با در نظر گرفتن نقش میانجی کنترل‌های داخلی مبتنی بر ریسک. دانش حسابرسی، ۲۴ (۹۵): ۳۸۴-۴۰۵.
URL: <http://danesh.dmk.ir/article-۱-۳۲۸۱-fa.html>
۹. مهدی پور، مرصاد؛ مهرفر، ابوطالب؛ مصداقی، احسان. (۱۴۰۳). بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و تغییر مؤسسات حسابرسی بر کیفیت حسابرسی. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۲۹ (۲)، ۳۹۶-۴۰۸.
۱۰. هریوندی، سهیل. (۱۴۰۳). ارزیابی اثر برقراری الزامات پاسخگویی و قوانین و مقررات به حسابرسان مستقل در مبارزه با فساد مالی. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۷ (۹۱)، ۵۶-۶۷.
۱۱. یاری فرد، رسول؛ هاشمی، نگار. (۱۴۰۳). تأثیر گزارشگری مسئولیت اجتماعی بر ارزش شرکت با در نظر گرفتن نقش کیفیت حسابرسی، حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۷ (۹۴)، ۱-۲۷.

12. Alade, M.E., Owabumoye, M.O., Olowookere, J.K. (2020). Budgetary control mechanism and financial accountability in Ondo State Public Sector. Accounting and Taxation Review, 4(2), 134-147.
13. Adeyemi, F.K., Olarewaju, O.M. (2019). Internal Control System and Financial Accountability: An Investigation of Nigerian South-Western Public Sector, ACTA Universitatis Danubius, 15(1), 134-150.

14. Broomhill, R. (2007). Corporate Social Responsibility: Key Issues and Debates, *Duns tan*. No.1
15. Buuren, J., Koch, C. (2010). Do Audit firms use the transparency report to signal audit quality? *Economics of Innovation and new technology*, 1-52.
16. Cheng, Y., Lopin, K., Feng, K. (2017). The Relationship between CSR Disclosure and Competitive Advantage, Sustainability Accounting, *Management and Policy Journal*, 8 (5), 547-570.
17. Dewi, N.F., Ferdous Azam, S.M., Yusoff, S.Kh. (2019). Factors influencing the information quality of local government financial statement and financial accountability, *Management Science Letters*, 9 (2019), 1373–1384.
18. Deumes, R., Schelleman, C., Bauwhede, H.V. and Vanstraelen, A. (2012), Audit firm governance: Do transparency reports reveal audit quality? *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 31 (4), 193-214.
19. Financial Reporting council. Discussion: Technological resources: using technology to enhance audit quality. 2020.
20. Fu, Y. (2015). *Transparency reporing and partner remuneration in Australian audit firms*. UNSW Australia University. <https://doi.org/10.26190/unsworks/2815>
21. Hategan, C.D. (2020). *Auditing the Auditors- Oversight: Necessity or Comlulsoriness. Challenges and perspectives of financial audit*. Dol: 10.20869/AUDITF/2020/157/002.
22. IOSCO (2009). Transparency of firms that audit public companies, Consultation Report. International Organization of Securities Commissions. <https://www.iosco.org/library/pubdocs/pdf/ioscopd302.pdf>
23. Lennox, C., Pittman, J. (2010). Auditing the auditors: Evidence on the recent reforms to the external monitoring of audit firms. *Journal of Accounting and Economics*, 49 (1-2), 84-103.
24. Lightstone, K., Driscoll, C. (2008). Disclosing elements of disclosure: A test of legitimacy theory and company ethics. *Canadian Journal of administrative sciences*. 25 (1), 7-21.
25. Madalina, G., Nadia, A., Catalin, A. (2011). The role of the accountancy professional bodies in developing social and environmental reporting. *Economics, annals of faculty of economics*, 622-652.
26. Pott, C., Mock, T., & Watrin, C. (2008). The effect of a transparency report on auditor independence: Practitioners' self- assessment. *Review Management Sciences*, 2(2), 111-112. 10.1007/s11846-008-1117y
27. Rosa, F., Caserio, C., & Bernini, F. (2018). Corporate governance of audit firms: Assessing the usefulness of transparency reports in Europe-Wide analysis. *Corporate governance*, 27(1), 14-32. <https://doi.org/10.1111/corg.12235>
28. Sommerfeldt, R.D., Zimbelman, A.F., zimbelman, M.F. (2019). The effect of audit culture on auditor honesty and skepticism. *Working paper*. 1-44.
29. Strauss, Anselm L. & Corbin, Juliet M. (1998), *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, Thousand Oaks, California: Sage.
30. Toker, J.W. (2015). The relation between disclosure quality and reporting quality: A discussion of Cassell, Myers and Seidel (2015). *Accounting, organizations and Society*, 46: 39-43.
31. Zhao, Z., Meng, F., He, Y. & Gu, Z. (2019). The Influence of Corporate Social Responsibility on Competitive advantage with Multiple Mediations from Social Capital and Dynamic Capabilities, *Sustainability*, 11 (1).

32. Al-Hussaini, E. K., & Al-Tawil, M. K. (2018). The impact of corporate governance on financial performance: Evidence from Iraqi banks. *International Journal of Economics and Financial Issues*, 8 (1), 179-188.
33. Wang, Q., Fan, Y., & Lu, J. (2020). Audit quality and corporate governance: A review and research agenda. *Journal of Accounting Literature*, 40, 1-16.
34. Ball, R., Kothari, S. P., & Robin, A. (2009). Looking for leadership: The relation between board governance and firm performance. *Journal of Applied Corporate Finance*, 21 (1), 44-62.
35. Chen, C. H., Chen, S. Y., & Cheng, C. H. (2017). The impact of corporate transparency on firm performance: Evidence from Taiwan. *International Journal of Commerce and Management*, 27 (1), 101-118.
36. Freeman, R. E. (2010). *Strategic management: A stakeholder approach*. Cengage Learning.

Identifying and Ranking the Components and Indicators of Auditor Accountability Based on Corporate Governance

Abstract

Purpose: Corporate governance, as a set of rules and procedures, plays a vital role in ensuring transparency, accountability, and effective management of companies. In the meantime, auditors, as independent observers, play a key role in evaluating and strengthening corporate governance. The present study was conducted with the aim of identifying and ranking the components and indicators of auditor accountability based on corporate governance.

Methods: The present study, in terms of its purpose, is exploratory research and was conducted in the period of 2024 using a mixed qualitative and quantitative research method. The statistical population of the study was auditors and university faculty members in the qualitative part, of which 20 experts were selected selectively and in the quantitative part, 384 people were selected according to the Morgan table.

Findings: In relation to identifying the components and indicators of auditor accountability based on corporate governance, 6 components were identified: accountability to shareholders, accountability to information transparency, accountability to stakeholders, accountability to the board of directors or executive directors, accountability to risk management processes, and ethical accountability and professional behavior, and 37 indicators. Also, the components and indicators of auditor accountability were approved.

Conclusion: Transparent accountability and effective reporting by auditors can help improve investor decision-making and improve corporate governance.

Keywords: Auditors, Accountability, Corporate Governance, Transparency, Professional Behavior.